

قسمتهایی از بیانیه فلورین در ۲۱۸ همین جلسه شورای امنیت ملل متحد

باقہ اریخ ۶ جنوری سال ۱۹۸۰ء

مهتمم بضرورت در خواسته
 توجه است که قبیل از رای
 گیری پیرامون قطعنامه
 مطروح درستند (۱۳۷۲۹) می
 بطور دلیل معمول داد شود.
 جمهوری مدرن دور کرایانه
 حقوق تمام خلقنا را برداشتمیت
 شناخته و بدان احترام
 میکنند، آنها باید در بازه
 آینده و شکل حکومت خود را
 ازاد از هرگونه مداء خالص
 خارجی تصمیم بگیرند.
 تمام دولت مملکت اند
 تا از شنبید در رژیون بین
 اسلامی و مستعمرات زور علیه
 تمام میت از شخص یا استقلال
 سیاسی دولتش اباء و زرند.
 گرچه طرح قطعنامه حاضر
 ظاهرا بر این بررسی های
 انسانی اتفاق میکند ولی باید
 نایابند جمهوری مدو کراییک
 آلمان این طرح قطعنامه
 را رد کند، زیرا این طرح
 آن واقعیتی را در نظر ندارد
 که زمانی جمهوری دموکرایی
 تیک افغانستان و اتحاد-
 پرو را تصمیم مهشتر کرد
 راه خاطر حاصل به جمهوری
 دموکرایی افغانستان
 اتخاذ میکنند، واقعاً مطابق
 مفہوم این بررسی های

امريكا در خليج فارس و هكذا
در امور دولتی خواهد بود -
نهایت علیه اين قدر مفهوم
تمثيل علاقه به اصطلاح -
سترا تيز يك در قسمت
عالي مختلف جوان و پيشه کردن
وسایل نظامي تمام شركه هاي
صلح دوست خصوصاً دولت
هاي شرقياً نه را تکرار
نمی‌سازد .
اينکه سقوط به چين
بروپاگاندهای دروغین و بي مورد
پيچ می‌شند . بالاخره از سنند
13717 (- امن) نيمروزان
در راه .
به تمام جديت عرش ميشسود
که اتحاد شوروی ميفروه
با اغا نستان آروبا راجه زير
گرده و تکنرول پر بغير هند
را بدست آورد . گرچه يك
نظريه نقشه کاري افست
تا ثبتیت شود که اين مملکت
مریوط به آسيما يي من کزى
از آروبا هزار ها کيلو هكتار
فاصله داشته و يعجم مملکت
عميقاً محاط به خشکه قریب
هزار کيلو هكتار از بغير هند
يشتی برخجاوز
دوستی .
آغازده

نماینده چشمگیری دموکراتیک
امالان عالم بروز سایر طبقه ای
توجه مهدی اعضاوی را برای
اعتنی را برداشت و قیمت جلد
می تمازد که با تحقق پیروز -
میاروید.
مندانه اتفاق اتفاق نشستا
محاصل امپراطوری میستند وسیل
مرتعنین با تمام قوا وسیل را
ورزیدند تا اکتشاف شتر قی
اتفاق نشستان را توقف سازند.
ما هر خود اجازه دیدیم تا
همان ای اندک اعلیه دولتهای
مستقل افریقا نمی، عربی،
امريکایی لاین در قلم او
باشد های اخیر تردد میستند
را به شیوه های تجاهز خواهند
کارکار کشیل داشتند تا
مقایر متفاوت خلقنا اهداف
خود را بر آورده مازد.
نیرو های امپراطوری
وسایل روزی های عظمتی
طلب از این ارتبا اتفاق نشستا
باشد های پیشماری خسند
اتفاق بی را مسلسل و تر بیمه
پیکارهانه، آنها را خارج به
داخل افغانستان رهمنامی
کردند.
همچنان تبلیغات زهری گین
و تلافی خواهند
منظمه تبریز
نیروی نظامی
امور داخلی افغانستان رهمنامی
تمامی سام خرف
مطهنه تبریز
نیروی نظامی
و تلافی خواهند

تفصیل القلاع

دامریکا امپریالیزم د پا کستان
خاوره د پنتماگون په پوهی
کمپ بدلوي

زیور دوونا چی دامپن بازیم او هر چو تیری او تجاوز خخه
رسانیت و انسانیت خلائق اسلام و دوون دی امیرنا لستی ۱ و
او رجایعی قواوی لمیو خواهادسوسی او تونری قواوی بدین ایخ
کی بپنیر پاظیتیم سر مخانم دنی خوله شنگه دنی دوونار
اساسی مضمون دادسان ازایدی اعلام صراحت دنی دهنتری او
رسانوشه زیرو قباو پسپیر نکانی ایل بیاون تیما او دامپنی لستی
او ارجایعی قواوی کمزوری هم ورسه ملده .

افقاًستان به سیمه که دیگه ناقلاً هیواد به توگه دشوار
تفقلاب دزیم پر او ته اخالیه لدترقی، آزادی، سوگی اوپنیریت
دینهمان نور هم لبونی کول: کلچه دھو نوی و سله یعنی
د، آهین: به خان کی ترقی ضمادوانسانی ضد فایلستون لار
بلند شوه نو اویس خپلی ذهنی و مسلی یعنی به وسله واله توگه
مدانستون او واسونو آزادی تربیتو شنیدن کول اوپنریت،
خواهاریکن پیشریت پهلویون کی ملمبو نه لاس اچولی.

۵ کال ۱۳۰۸۱ جدی ۲۷ به یتیه داغستان خلکو دمو -
گرانیکن گوند او داغستان دموکراتیک چمپوری دو لست
مشتر تایه به گاهه سره دیرکز کاموله مینشی غونه و کرمه او
به هفتوکنی بوشیری بریکری او توشیگونه و شول، جی به او اوس
حخت ای داغستان خلکو دن تیماتت همل خلواکو، اوس
خلکو دن برجو یزگو دن یوزنیزونه دندنه سره جوتی اوبنیکی لاری.
او دن دخه غونه که ای داغستان دن خلکو دن دموکراتیک سوند
دوشکری کمیتی معو می همنی دانقلاری بی شودا ر نیس او
صد داعظم بیز اکامبل لخوا بواوندروی و دوکر
شوش چی دغی پهولیه بی دهن کفری کمیتی دیسا سی بیزرو

**په افغانستان کي د آزادی او خپلو اکي لمړ ختل د امېر یا لیزم
په ناور وغونې تنو او رپوری کړ**

بایاره اد و گرخوی جی هم زهون دهیاده اوهم دعفه ذیار
یستونکو خلکو آزادی او خلپاکی له منه بوسی .
په سیمه کی جی دستتو اویستو اپیرا لئنی تیری
کوونکی بتکو نه دسمیمه خوارکنبو برگنو د غفت به

تو پیشنهاد کرده بودند و از اینجا آغاز شد. این مذاکرات در میان افغانستان، پاکستان و ایران انجام شدند و نتیجه آن مذاکرات، ایجاد یک اتحادیه اقتصادی بین افغانستان، پاکستان و ایران بود که در ۱۹۷۳ میلادی تأسیس شد. این اتحادیه اقتصادی افغانستان را در این مدت از ایجاد اسلام‌آباد کمک کرد. این اتحادیه اقتصادی افغانستان را در این مدت از ایجاد اسلام‌آباد کمک کرد.

جهن شوونزم او دسيمه ارتعاجهشی کولی دخلکو له اراد
سره مقابله و گری .

مور دخلکو به برى ایمان لوراو پى باورلۇچى داھىر باليزم
او دەفعه دىارانو دۇرۇ نېشۈپە طرخ كولو بېئىتە لمدى چى
دقىقىرمان و پىتام حماسە و رىيادەشى بىل بىھىچ و نەمشى
خە کولى شى .

اک

هو ! شکاره اوروبانہ خیرہ
د کله جی شے هر چیز شی او
لارگونی او لہ برم نہ پاک تاریخ
نہ وی زیادتی باندی به چی

لاری، آنکه انتخابی کنندگان قادس و روح انسانی می‌توانند مکرر باشند اما در روز انتخابی ممکن است همه چون از این روز را با خود می‌گذرانند. دادستانیتو سکریتاری ده. مسکر

پو بستنی کوئی پی سنا پتے کوڈ کی خو میاڑو لاره د
لووہ اونه وله بی شونو ما سبز پوایوی، دے ده نیم دلاره د
پتیکارا شنی کولاره دیوی دنالسا خو هولو دلاره د
امیراپاریت می بخلو بوجو
تیباچارا شنی کولاره دیوی دنالسا خو هولو دلاره د
دوچانه دنالسا خو هولو دلاره د
شماره داسنیت دا پریتی پتیکارا شنی
وہ بادیلے لوویوی دارا دیادی تر

هشده و خست و کمی مبارزه نگذاری وای: به خشندا... ذ
بیسسا ری و بیکار، بوقلمون اوبیزیر تبریز به دید خود پرداز
شکجه چی در دریا خاله رسوسا
کرو او لوله یعنی بشکنک اتوسازیه
شوهیو ای ای و نور چوک ب پرسی
مشخت ته نه تو و سمه
د رسه ای ده ده ده، ده ده ده
د هیل

لله خالقون شهادة، دعوه لملت ودوافع فوزه دنیوی و مدنیوی به وطنی و امیری بالزم نسخه، د آزادی ملک عزیز سره خاوری کرتو و میرزا علی شاه مکاره که جسی د بدرش د مغقوص نرسین پیشوایانه، دامنه ایلخانه که د کاسانه د لایمه، د کل، د کل، د هامد ایلخانه

ددهمه نکته کپی و قوی سولی هست او چیاول به همراه خانی نهد لودای.

**دجلادامین خونپی مسکولی زموبد وطن دسر تیر و
بنخو ترمی هم و رسیدلی**

خیلی وظیفی ادا کریں گے
کہ شکم پوری تک قلو سے
دروده و میلہ لایا
پانی شو دشیتی تا وختہ
سرہ ناست و پوچھو بچے
بیدھ شولو درد شیبی دے
چھپی بھے وی چی زمزور دوزہ
وکنیکی او خرڑھ و رو لاڈیم
روزور ہی رخلاص کھی دیم
بیویں و چی لے اشینیدار
نام نتوت ایکوہ زوری غیر
وکر جی اسونہ پو بور تے
وئیسی اسونہ مہ بو بور
وئیوں او دو چی خوکسالو
دکور ہی لئو یو بیل پیل و کن
کیسونہ، تو شکی بالپنٹو
هرچی جی وو ویلی لئوں۔
میرہ ہی به لمی سر کی
مورتھے خیزو لی وو خوشہ شور
او غمالچوں و کو اغیزہ بی
وکنہ کھی باد شانہ تے نہیں
چی بیدا کول او بیش شی بی
غمفرکی نہ وو له خانہ سرهی بی

ماعنی دباره رخصت اخیستی له پاره مو تیاری نیوواه او میره
د ماعش درا رسو لو له پاره هی هم متون که چی د شبی



میرهن بی نظیره : مادخپ
خو زه بی هم زندانی کرم .

هم مخ پاتی) ... د کی افغانستان ریه

دلوپری مخ پاتی)
د کانو او...
ن له غرمی و روسته دیو
ت په مشري هند ته لاهه
د کابل په بین الملکه هوايسي
ک دکانه او صنایع محمد

三〇五

راخی چی در ته خپل ستر گولیدای حال و وايم

السمه و خه

شب ویا روز اذ اطاق ها
با خیری می نمود، البته باخبری
او برای رفع مشکل ویسا
تسهیلات برداشتان را نمود،
بلکه با وحشت و بهانه گیری
های تاخت های زندانی ها
هم افتاد و باید لکه نمودن بروی
شکم زندانیان ولت است.
آنها را نوازش مینمود، بطور
نهایت هم کنکار و اسراری
سباهیه وی صداقت را کنی از
زندانیها بیدار نمود، او از
تحت لات و کوب هی گرفت که
چرا تا اینوقت شب بیدار
هستی مقررات ناظمی اجازه
شروع طلاق و قبضه زندان و خود
نمی دهد که بعد از ۹ شب
که استراحت اعلان شد، بر پرسیم:
گردد تو از کشیدن آه سردی
نموده خو و از بود که گفته
شد.

در مردم ملاقات شان با
دیگر زندانیان و خو را که
شان بر سیم.

در غصیمه اطمبار داشت،
بعد از مردم سلطان عین مسال
یعنی بعد از برخورده که در
بین همین صورت گرفت و

شمارد دست داشتند؟

افزود: نه خیر! گوچکترین
سمیدی که بتواند جر همراهی
بسازد در درد اشان موجود
نیود، اما آنها میخواستند
توسط شکجه وزیر یا لامبر
بیغولانند از اتهامی را کسے
پایالم ژده زده نهادند تا اینسان
همان بود که بدون ثابت شدن
اتهام و نظر به لزوم دید قرار
گفته خود شان ما را به زندان
سپاهیه وی سپاهیه نمی دند، اما
زندانیها بیدار نمودند،
تحت لات و کوب هی گرفت که
گلشتناه، و قتی در مرد
شراط زندگی زندان و خود
پرخورد و طفیله داران زندان
شما از آزاد شدید اما همان
بولچرخی حقیقت هفت ماه
بعد از کشیدن آه سردی
چه تکونم که چهما
چو چواید: چه تکونم که چهما
و از زادت داخله هم میرم بعد
از داشتن شکجه های اینچی
گشیده. درین مدت سه روز
دوست پنچ دقیقه شما را بیمه
شرطیت زندگی زندان و خود
پرخورد و طفیله داران زندان
شما از آزاد شدید اما همان
بولچرخی حقیقت هفت ماه
بعد از کشیدن آه سردی
چه تکونم که چهما
چو چواید: چه تکونم که چهما
در راه هم با زاده های شکجه و
کشیده این منی شکستن، مدتی
آنرا بگوییم و میتمم از آن
شروع میکنم سید ببدالله که
نامش: قربانی، بهمنه آتشتن
پرخود دادن، مشت کرد، بسا
چو چواید: چه میخواستند از من
اقفار ای گیرند، ازی وی برسیم:
ای گلاموسنی که بتواند این



باخته‌ی در سلول زندان به باسیغ سوال‌های خیر نگاری داشت.

لذتیم مع پاپی

از بیان لری تویی معنی خخه خبرید
دیرین له وضعنی خخه فی که
او ما بهم همدا رونه ویل چی
زه در واخ نشم و پایی باشید
تاسی غواپی چی زه در داغ
وواون نوی خیله خخه چی
غواپی وی لیکی زه شود رواج
ویل نیشم. خلور و رون خو
کلکولو نه رون سته تویی
مولس و رون دامن ایمانیتو
پیشکجه خای کی را تی شوم
کوم چی دامن او ایمانی تو
رس دادن او خو تی زرم
عکله که خلکه کاوهه چی
سره خواب را کوی
دانسی نکار کاره چی کن تویی
خو شوی شوی مه او کور نهی
بیانی خو کله که له لاخنه
زندانی رو دینو سره دهد خوش
زندان ته بو تام او مه پیره
سدادی کی دا فکر کاره چی کوکانی
خو شوی شوی مه او کور نهی
او که سیمه طالم او خون خوار
اودهه دو ستنان به ده میستینه
اودهه دو ستنان به ده میستینه
والی شی او اکه به چیله
شخه دوزون غر غورون ته راغی
نو امید واره به شویشی نور
منه ای او غیرتی شکاب به خیل
خرید کم دادکل او بیرونیته
تی تویی که له لاخنه
زمانه دادکل او دی وی
روخو خو خو کور کی له وی
کی مخصوصا دینه خو وضعی
خنکلخه او خوره وخت همه
موخبل رونه له سره پیل چی
او دو موله له غیری که مهره
ناشو امان هی به غیری کسی
خطاطری وری دیدل او بیوراهه
ویل کنیته مرخه ممنظمه ریانی
نموم رایدی انشو. بیام شوروکی
بالاخره کی را نه ویل بنده
چی میره دی گوری نو را خه
له خور داروی په نیزه کرم
نه په عییرم چی په خومه
کوکنه کی وو زه پیس ور
نیست میتمامی علامه ایانل
دویلیه مهه مهه له نوره زندانیان
سره نا مستن هفه به پیرسه
جزرانیها را خخه په بنتنگه که
نه دله خه ماد
عریضیو مو ضوع توی زه
کرمه او ورته مه وریل چی
نه مه وارستانی مه شهی چی
شده له لاخنه تغخنه پلش
دندی دندی دندی دندی دندی
چخه را کوره شوم نود زندان
دنکی او وریونکی او خوواخه
سره مه مه مه شوم.
دی ظیطیری درد و درکی
خرید کم دادکل او دی ویل چی
تی تویی که له لاخنه
زمانه دادکل او دی وی
روخو خو خو کور کی له وی
کی مخصوصا ملغ اتفه همه
خنکلخه او خوره وخت همه
موخبل رونه له سره پیل چی
او دو موله له غیری که مهره
ناشو امان هی به غیری کسی
خطاطری وری دیدل او بیوراهه
ویل کنیته مرخه ممنظمه ریانی

کرچی بی نظیره پیر خان
ویل ملوایوی، خواه له عقی خخا
ورومستن پیونشنه کو - کو
دیوی نزوری پنهنجی به توکه
خیل و طبلو بالو خوش او خودینو
که نه پیغام لاری نو وایی :

زمای پیغام دادی چی تو اسوس
بینچی او بینچی باید خیل و طبلو
بنجیه خواهه او کنده مت و کری کی مسو
خوزی او تر خیل چی پیسری

راشی خیل وطن باید یو ازی
بری نه پیدی، دا یا ته قولوتا
تجربه شوی وی چی فاشیست
امین به شترابو نه

کیا بونه خوبی او زمزورخا
او مظاوم خاک میی گولول
او غفری له داد مر غیور
بد بینچی خخه خیر نه اوه

جناب عیا شی او ساعات تپیور
کی بوختن تو اوس دا سو
وخت را خلی چی د خلکلو
بر نخدوی نو با ندی پیتو

کریمیه دل شی او هفتو و شی
تر اخه بیما نه خدمت و شی

درخ کی هو دره سانه تقریج
دوخه خواهه پیر خوار و
او خنچی خدوره لو نهود او اکنده
مه وعده خواهه لو خو پلدا

کافاگواره بیر بیزول کی مو
چیر چیر کی ماسان و میلیمیلی
ددغه خواهه به وجه مسخونه
ناویغی اخته شول خو شخصا
له ماسره چی بازارویه ندردند
وطیزی ستو شوعله خسوا

مرسته کند که زما کام ایه
وھلو پکولو کی له کاره و نانی او
خرن شوی نو علنه کو کو
بیزاره خو بینی چی لی لے
ما سره به دا من سنه کو ل

بر قله دری میا شنی او شپرین
ورخی به خوشی زندان کسی
باید بونه ایه به عده ده
او امدادی راهه و میل چی زر

روانه چی بر چیانه میکارونه
رالخی او ستا له میهه سوره

راخه، حمی، در ته خما دسته و گو ...

دگون یوسفی کی لہ پندتیو
دی غور کبریدی او پہنچ خولے
خچھے توںی کری او ورته میں
خور کفر کی۔

زندان سیری بخا ری تسوید
دنیاوانو فرضت غمہت و گاہی
راجہار کول قیرمہ دہمہ بوبری
دنیاوانو دی کاتبیو نواو۔

دھماکی شہبی بے غیر کسی
دو قلوب سیاسی بندايانو داڑھیو
پستیوں دو پی نیمه ورخیش
درخیش جای خبرنو داڑھو۔

دھنامی پیغام دنداں اضا ازاں کے
دھنامروں و نشکر کا یا پریشانہ
پیغام دنداں کسی داڑادی
دھنامروں غریبیتہ دی اوندی کہہ۔

دھنامیان دنداں میں نہ سماکی
دھنامیان دنداں میں نہ سماکی
خوبیستانتیوں تری کری اونتی
دھنامیان دنداں میں نہ سماکی۔

دھنکا بیوں نسکوکریو ہوئے
دی دیاراونو نسکوکریو ہوئے
شوکا بیوں اور سالی دفنا۔
یکی لوٹھی خیری کری۔



په کابو او دھیواد به نورو سیرو سیموموکی دزیاتی واورد ی وریدل دزیاتو حاصلاتو او په

حقیقت انقلاب نور

خطاط معرفی والی جدید تخار
ر. محظوظ شار والی تالقان
رنیب یافته بود سلامهای گرم
بجزر کارمل منشی عمو می
کمیته مركزی حزب دموکراتیک
افغانستان، دیپ. شو، دای.

تقلابی و مصدر اعظم جمیوری
کو کارنیک افغانستان تو سط
رسول محمد بنزیر خلیل ای
جیدی تخار و رسانیده شد.
پس از تاولون چند آیت از
کلام الله محبیه والی تو تخار
با از طبای باهداد فست گ و
هایی بخش انتقالات تور
رخان و زاندوانیجات خلق افغان
ستان و تهیکار ی های
بسیاره. غیره ظالله امین
حضرت تبریز گفت، بعداً
محمد بن حجاج سید طالب
و تن از خلق شریف ولایت
خخار پیغمبر ایشانیه که ایشان
مراتب خو شنودی شا نزال
بیرونی مرحله نسوبین تکا مل

نگارش شکوهمند تور اینچنان
نقلاط شکوهمند کار با پیجیت منشی
نموده که مکری حزب
دوستی خلق افغانستان
نیز شو رای نقلا پس و
درست اعلام ابرار کرد و برخون
از خود گرد کرد رادر و عده
شکو فانی افغانستان عزیز و عده
ادوند.

خبر نگار آزادی باخت از
حرب اطلاع میدهد که دیروز
عده کثیر از خلق شریف
ولسوالی جوین و لایت فراه به
مقام آن و لایت حاضر گردیده
پرخون پشتیبانی گزار از
بیربری و ملے بیدی تکال
نقلاط شکوهمند تور ابراز
نمودند.

مقابلات غنی بکاش و لی
فرهاد ضمن ابراز از تشکر از
احسasات پاک آنها رفاه و
سعادت خلق افغانستان را
تحت رهبری حزب دمو کراتیک
خلق افغانستان آرزو کرد.

لیک پرنسپل

حاکیست که عدد کثیری از
علمای روزانه و موسسات علمی
و منورین شهر هرات ضمیمن
حصایت و پشتیبانی از مردم
نوین تکامل انقلاب شکوهمند
لور به زمامت ببرک کارمل

بر همراهی حرب، دولت و خلوف
جمهوری دمو کراییک افغان
نستان سیمکیری بیدریغ شانرا
برای هر گونه همکاری در
تحقق اهداف مترقبی دو لست
بر از کردنند.

در حفظیکه با شترانک میر
طیپه‌ساز روف والی هرات
با مشمول علماء و روحانیون،
و سفیدان و منورین در باغ
خانه خلق در هرات دایر شده
بود والی هرات در باره‌من جله
توین تکامل اقلاب شکوه‌مند

نور روشنی اند آندا خنگ گفت :
 نکونی که اند تروریستی
 حفظین اسلامی این اعمال و محبیانه
 ایرانی همیشه بر چیده شده و
 کنون برمد شریف افسا -
 سستان است تاریخی
 اتفاقی خود را درین مرحله
 تاریخی در چه دفعات
 زدست آورده های مرحله نوین
 اتمام اقلال شکوهمند نور از
 درزایت و شا پستگی این فاعم

با مقابله حاضرین آمادگی خود را برای هر گونه دیدگاری می‌چنان بازی در راه دفاع از استقلال و تما میت ارضی کشیدور در مقابل تو طله نیروهای ارتشی ایران و باسته به امیری بالای امریکا ابراز کردند.

پشتیبانی مردم کشور از مرحله...

احساسات پاک و وطنپرستتاه
حضور شکر کرد .
والی پروان ضمین افساشی
اعمال جنا بگزارانه امین و بادن
سیاه کار شن گفت : پایبروزی
مرحله نوین تکامل اقلاب تور
کشون عزیز نمای افغانستان ن
خلق عذاب دیده مازی یک
صیحت مطلب طباجات فوج خواهد
افتخارات است که مردم ستمدیده
افغانستان مان ما هیت اصلی و
واقعی امیریا لبیم تو طله گر
را که امین بیلاد و آدمخان
حرفوی و این جاوس شناخته
درین اجتماع عنتر غیرت
عضو على البیل مکتومکار کی
شدنه سی ای ای حما یست
مینما بد بخوبی در ک کرده
اند و دیگر فربیت بیلایت
والی افغانیا بیلیز مردا
خواهند خورد .

که جمعیت کثیری از علماء
نمایند اگان مردم قراء پشمده در
بنشه خودره عبید لجیل .
ده سرک ، باندر ، نازیان ، پلو
دکه ، شناسل ، خوزه مند
مریبوط و اسمالوی ایانه نازیان
و اینجن ایزی و سلو ای شیوان
بریزوره در شهر غنی خیل برکان
لولی و ولسوالی اتحام قاتل نمود
لایلی و لایلی ایلی ازمه
نتیجات ایک ببرک کا رمل را
باندا ایغ کردکه باستقبال
پرسون رحو خاربین روپرو شد .
سیس و کلی جوزجان درباره
مرحله جدید تکامل اقلاب نمود
واهداف و للت متربق ما در
برتو اقلاب مفصل ایلی ایلی
نموده و نیز درباره فجایع و
نهضت ملی پادن این خون آشما
تو ضمیحات الاده نمود .
* * *

طبق یک خبر دیگر از یوغان
علیاً، روایتین و جمیعت
کنیری از سفیدیان و خلق
سریفت و لایل با غفاریانه در سپس
ازدادی نماز جمعه در سبستان
جامع مر کوزلات بغلان حبایت
و شیشانی پیردریغ شان از
دولت متفرق و اتفاقی شان
ابزان داشته و برای پریزوی های
مزید مرحله زین کامل اتفاق
نور و نوا بودی دشمنان داخلی
و خارجی افغانستان را مهدیاری
امیریالیز امیریا کردند.
پس از ادای نماز جمعه
محمد شاه راست و میلان
بیان نه ایراد نموده اندسته
دوست اتفاقی برادر رجه متفرق
دوست افغانستان عزیز را تخت
خلق زحمکش افغانستان
تشریف خواز کارانه امیریا سیز
امریکا و ممالک از تعجب از
تو ضمیح نمود.

پیمان برق و سلم و خدمت رسانی
امین رازی هموطنان ما افشاو
رسو ساخته و بور اعلم اجنبیات
کارانه این عضو شناخته شده
سی آقی ای نفرین فرن ستابند.

آنها همچنان راجح به تحول
جدیدیک در کشورها بسد از
ششم چندی سپه کنگره
نمیخواهند که این مردم
و نمیخواهند اوانه کردند. که
مقابلنا خسار حما یات عمیق
شان از زیان نهای های بیس ک
کار ملک و اعماقی دولت جمهوری
دانهای رسانیده که ای شور و
شادمانی مردم مواجه شد.

فضل الرحمن قاطع پیرامون
هر حله جدید انقلاب ثور و
اهداف د و ات چهارمی
دشمنان مین و عده دادنست
و اتفاقی گرفتار افغانستان بشی
دو گراییک افغانستان بشی
بر رفاه و آسا یش خلق
شکو فانی کشود عزیز
توضیحات اوانه نموده گفت
اکنون که امن سفاک و واند
ترویجستی که سر نگون

یک خبرنگار مارشال
مرک و لایت بلچ گاپست که
مردم شریف و نجیب و لوسالوی
ای دلت آزاد، جشن،
نیر شاهی از اول ولایت اعتماد
علمای، روایتمن و سایر
زمختکشان خاطر اطمین
حایت و پیشتبانی از مرحله
دعا و مسی و عذر و روز حضمه
افتخارستان روز تاورز حجاج
وهمسنگی شان زا ابراز نموده
در ستر مبارزه برس ضد
دشمنان میعنی واقعیات قرار
میگیرند.
به معین مناسبت دیر و ز
نیز علمای، روایتمن و علمه
کنیز از موافقین و حکایت
مقابیات تی چند از خدا ر

نه توانید از اس پر بین
مشتبهیانی عصی شناسارا از
هرات، راه و رعایت حفاظی را
در مراکلولایات مریوط تشکیل
داده و پشتیبانی کامل شناسارا
و هر نوع فدایکاری را در تحقق
اهداف اسلامی ایالات توپنامه
در این ایام از این داده و عده
شکوهمند نهاده بود که تحقیق اقلاب
حرب دموکراتیک را تحقیق رسمی
نمیتوانسته باشد که عده ای از علماء
نیز از مشتبهیان وطنپرستانه و لایت
نامه نگار باختیر از فسراه
میندو سید که عده ای از علماء
ورو حایون وطنپرستانه و لایت
مشتبهیان عمومی کیتهه من
فراده نظام و لایت مراجعت ممکن
جذب خواهند کرد اینکه خلق افغانستان
رسیس شورای اسلامی ایالات
کرده جنایات و مظلومان پیش مانه
تفصیل الله امین و گروه سیاکار
تفصیل الله امین و گروه سیاکار
کردند.
آنرا بحضور تشریح کرد.
درین وقت داکتر خلیل ابوعی
والی پایان پیرا مون بماریت از
قوه های امنیتی دفعه دو کرد که
خلق افغانستان فصل مصالحت
کرده جنایات و مظلومان پیش مانه
تفصیل الله امین و گروه سیاکار
تفصیل الله امین و گروه سیاکار
کردند.
آنرا بحضور تشریح کرد.
جدید اتفاقات ب شکو همه نور
به مقام و لایت پلخ آلمده ام ات
مسرت شناسارا بنیان است سنگوئی
پایان تر بر وستی و فایسیستی
امین ایاز داشتند.
داندن.

